

# ԱՐԱՔՍ

# آراکس

ماہنامہ

Ը ՏՄԻԻ ԹԻՎ 65 ԱՊՐԻԼ 1994

فرهنگی، اجتماعی، ادبی سال هشتم شماره 65 اردیبهشت ماه 1373 تک شماره 1000 ریال



1915...

یکی دیگر از اشکالات مقاله یاد شده عدم توجه به گنجینه غنی گذشته فرهنگی ارمنیان است. همه واژه های مورد بحث در مقاله دکتر سجادیه پیشتر توسط زبانشناسان نهمی چون، هوشمان، آجاریان، قاپانتسیان، بنونیست، آنتوان میه و دیگران مورد بررسی دقیق قرار گرفته اند. بنابراین برای ارائه نظریه ای نو باید پیشینه موجود را مورد توجه قرار داده، با دلایل منطقی آن ها را رد نمود و نظریه جدید را مطرح ساخت. به نظر می رسد که آقای دکتر سجادیه یا با گذشته زبانشناسی ارمنی آشنایی نداشته اند و یا اعتقادی به آن ندارند در صورت اخیر بهتر بود دلایل رد نظرات قبلی در مقاله بیان می گردید. با این حال اگر مورد اول صادق باشد، بنابراین وظیفه خود می دانیم شمه ای از پیشینه فرهنگی ارمنیان در زمینه زبانشناسی (بویژه بحث ریشه شناسی) و فرهنگ نویسی را جهت آگاهی خوانندگان گرامی بطور فشرده تقدیم کنیم و در صورت علاقه خوانندگان به بحث های مفصلتر، در مقالات آینده خود به این امر خواهیم پرداخت.

ارمنیان پیش از اختراع حروف ارمنی با علم زبان و دستور یونان آشنایی داشتند. با این حال تا سده پنجم میلادی زبانشناسی ارمنی دوران کهن خود را میگذراند. پس از ابداع الفبای ارمنی (۴۰۵ م.) آثار برجسته زبانشناسی آن عصر به ارمنی ترجمه شد. تحول زبانشناسی ارمنی بطور کلی سه دوره را پشت سر گذاشته است: ۱) دوره تدوین اصول مطالعه ایستا (استاتیک) از نیمه سده ۵ م. تا دهه ۱۸۳۰. در این دوره بطور کلی بررسی دستور و ذخیره لغات زبان گرابار (ارمنی کلاسیک) رواج داشت. در عین حال زبان ارمنی میانه (سده های ۱۴-۱۳ م.) و زبان آشخارابار یا زبان فعلی ارمنی (سده های ۱۹-۱۸ م.) نیز مورد مطالعه و پژوهش قرار می گرفتند (بدون تطبیق تاریخی).

۲) دوره تدوین اصول مطالعه تطبیق تاریخی. از دهه ۳۰ سده ۱۹ تا دهه ۱۹۱۰. در این دوره، زبان ارمنی (گرابار، میانه، آشخارابار) از نظر تاریخی با زبان های دیگر هند و اروپایی مورد پژوهش تطبیقی قرار گرفتند.

۳) دوره تدوین و تشکیل اصول پژوهش سیستمی از دهه ۱۹۲۰ تاکنون. در این دوره زبان ارمنی هم از نظر ایستایی (در همان عصر) و هم از نظر تاریخی (در طول اعصار) مورد پژوهش قرار می گیرد. نخستین اثر زبانشناسی که به زبان ارمنی تهیه شد «فنون دستوری» اثر دبوینسیوس تراکیایی (سده پنجم) است. پس از آن افراد بسیاری در دوره های یاد شده به پژوهش زبان ارمنی پرداختند (داویت کراگان، آنانون مکتیچ، موسس کرتوچ، استپانوس سیوتتسی، گریگور ماگیستروس، وارتان آرولتسی، هوانس برزنکاتسی، سیمون و هوانس جوغایتسی، وسکان پروانتسی، هوانس هولوبو، خاچاتور کارنتسی، مخیتار سیاستاتسی، باغداسار دبیر، میکایل چامچیان، گ. آوتیکیان و ... هراچیا آجاریان، مانوک آبیان، گریگور قاپانتسیان، گورگ جاهوکیان، ادوارد آقاپان و ...)

ارمنیان گذشته درخشانی از نظر فرهنگ نویسی دارند، تاریخ فرهنگ نویسی ارمنی از دوران اختراع الفبای ارمنی آغاز می گردد و تا امروز ادامه می یابد. از سده پنجم تا سده یازدهم میلادی مطالب بسیاری تهیه شده در سده های ۱۵-۱۱ م. بر اساس آنها یک رشته فرهنگ نگاشته شده اند (مانند فرهنگ املایی ارستاکس گریچ، بارک کراکانین، بارک کرتوگاکانک) مهمترین فرهنگ ها عبارتند از: «فرهنگ ازمنی - لاتین» (۱۶۲۱) که نخستین فرهنگ چاپی ارمنی است. «فرهنگ زبان ارمنی» نوشته برمیامفرتسی (۱۶۹۸)، «فرهنگ زبان ارمنی» نوشته مخیتار سیاستاتسی (جلدهای ۲۰۱، ۶۹-۱۷۴۹)، «فرهنگ جدید زبان ارمنی» (جلدهای ۲۰۱، ۳۷-۱۸۳۶) نوشته آوتیکیان، سیورملیان و آوگریان، «فرهنگ روستایی ارمنی» (هراچیا آجاریان ۱۹۱۳)، «فرهنگ ریشه شناسی ارمنی» (هراچیا آجاریان جلد های ۷-۱، ۳۵-۱۹۲۶) «فرهنگ تشریحی ارمنی» (ماخاسیان، ۴۵-۱۹۴۴)، «فرهنگ تشریحی زبان کنونی ارمنی» (آکادمی علوم ۸۰-۱۹۶۹). جالب توجه است که اولین فرهنگ فارسی ارمنی توسط گورگ دبیر پالاتسی (چاپ ۱۸۲۶ در استانبول) تألیف شده است، در آغاز این کتاب بخش مفصلی به دستور زبان فارسی اختصاص یافته است که حائز اهمیت می باشد.

فرهنگهای ارمنی طیف بسیار گسترده ای دارند... (۱) تشریحی (۲) ترجمانی (۳) روستایی (۴) ریشه شناسی (۵) تطبیقی (۶) تخصصی (پزشکی، فلسفی... (۷) اصطلاحات (۸) امثال و حکم (۹) املایی (۱۰) تاریخی (تاریخ واژه ها) (۱۱) فرهنگ لغات مترادف (۱۲) فرهنگ آیه یاب.

## نقد و بررسی مقاله

### «کند و کاوی در فرهنگ ارمنی و دیگر مردم ایران»

ادیک باغداساریان (گرماتیک)

جناب آقای دکتر سجادیه در شماره ۶۴-۶۳ نشریه آراکس مقاله ای در ریشه شناسی چند واژه ارمنی نوشته اند. با توجه به مباحث و نظریات ابراز شده این ضرورت را احساس کرده ایم که جهت رفع ابهام موارد نادرست و تصحیح و تکمیل موارد دیگر مقاله حاضر را از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم.

پیش از پرداختن به اصل مطلب لازم است سخنی درباره مطالعه علمی تاریخ زبانشناسی و بویژه ریشه شناسی و سپس تاریخچه غنی فرهنگ نویسی ارمنی بیان نماییم.

منظور از مطالعه علمی زبان، بررسی آن براساس نظریه ای همگانی است به گونه ای که بتوان درستی پژوهش را از طریق تجربی به محک آزمایش زد. توضیح اینکه تحقیق علمی در جریان بسط و رشد خود بناچارمراحلی چند را طی می کند: نخست مرحله جرقه فکری اتفاق می افتد که بر اثر مواجهه با پدیده خاصی اندیشه ای به ذهن راه می یابد که آدمی را به مطالعات عمیق تر در پیرامون آن سوق میدهد.

دوم، مرحله مشاهده و طبقه بندی: در این مرحله واقعیات مشاهده می شوند و براساس این مشاهده، داده ها گردآوری و به فهرست درمی آیند. پژوهشگر در مورد هیچ مسئله ای نباید پیش انگاری کند وگرنه به دنبال عواملی کشیده خواهد شد که نظرش را تأیید کنند و این امر مغایر با تفکر علمی خواهد بود. بر خلاف مرحله نخست که مسائل بیشتر جنبه ذهنی داشته اند، در این مرحله با واقعیات ملموس در رابطه خواهیم بود.

در مرحله سوم فرضیه ای مبنی بر وجود یا عدم خصوصیات مشترک و ویژگیهای گوناگون و نتایج مراحل قبیل ارائه می شود.

در مرحله نهایی، فرضیه پس از ارائه به محک آزمایش زده می شود و در صورت تأیید درستی آن به عنوان یک نظریه پذیرفته می شود و درغیر این صورت مردود می گردد.

بدین ترتیب می توان برای زبانشناسی ویژگی علمی بودن را قائل شد زیرا زبانشناسی بدون تعصب شخصی پدیده های زبانی را توصیف ر فرضیه های خود را به روش علمی تنظیم می کند با آزمون های لازم به تأیید می رساند. باید افزود که علم به توصیف پدیده ها و تدوین قوانین حاکم بر آنها اکتفا نمی کند، علم علاوه بر این به جستجوی علل و به توضیح پدیده ها نیز می پردازد و این همان چیزی است که زبانشناسی جدید بدان توجه شایسته ای دارد.

یکی از اشکالات مقاله یاد شده عدم تأمین کامل مراحل یاد شده است. برای ریشه شناسی واژه ها از یک سو به معنی شناسی تاریخی و از سوی دیگر به آراشناسی تاریخی باید پرداخت. بدین معنی که باید سیر تحولی معنی و آوای بخشهای تشکیل دهنده واژه ها در طول تاریخ زبان ها مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً باید مراحل مختلف تحول زبان ارمنی را دانست و سپس به بررسی مباحث زبانشناسی آن زبان پرداخت، چه در غیر اینصورت نتایج نادرستی اخذ خواهد شد... یکی دیگر از اشکالات مقاله یاد شده در همین امر خلاصه می شود - (مثلاً در مورد واژه *Barəv*). نیز باید متذکر شد که صرفاً تشابه لفظی و یا حتی معنایی یک بخش از یک واژه یا واژه ای از زبان دیگر به تنهایی کافی نیست، چه بسا همین بخش از واژه ممکن است خود واقعاً تنها چند حرف از واژه باشد و نه یک بخش و جزء تشکیل دهنده آن... (مثلاً در مورد واژه کاراپت در مقاله فوق، ظاهراً کارپت پهلوی و کاراپت ارمنی تشابه لفظی و معنایی دارند لیکن با یکدیگر ارتباط صد در صد ندارند).

خوب، خیر از ترکیب کلمه  $\bar{b}\bar{a}r(k)$  (pwr-p) به معنی طبیعت، خوی، اخلاق و پسوند  $\bar{i}$  (h) تشکیل شده است: بخش  $\bar{b}\bar{a}r$  را می توان با  $\bar{b}\bar{r}\bar{a}v$  آلمانی،  $\bar{b}\bar{r}\bar{a}$  سوندی،  $\bar{v}\bar{a}r\bar{a}$  سانسکریت، (v به b قابل تبدیل است)،  $\bar{b}\bar{e}h$  (خوب، به) فارسی،  $\bar{v}\bar{a}r\bar{a}$  زند اوستا،  $\bar{b}\bar{a}r$  فارسی (بار، میوه) مقایسه کرد تشابه بارع عربی و بارو تصادفی است.

پاد  $\bar{p}\bar{a}t'$  (دیوار)

این واژه به معنی (پیرامون، چهارسو، دور، دیوار) و بسیاری معانی دیگر به کار می رود.

به نظر نمی رسد با  $\bar{p}\bar{a}l\bar{a}p\bar{a}t$  پهلوی (شهری که با گندی شاپور مطابقت دارد) مرتبط باشد زیرا در اینصورت می بایست بخش نخست  $\bar{p}\bar{a}l\bar{a}$  را تفسیر نمود. به نظر ما با واژه  $\bar{p}\bar{a}t$  پهلوی (به معنی در برابر، مخالف، ضد) هم ریشه است نیز مقایسه می شود با  $\bar{b}\bar{a}d$  سومری،  $\bar{p}\bar{a}t\bar{u}$  آشوری.

مارگ  $\bar{m}\bar{a}r\bar{g}$  (چمن، مرغ)

این واژه از  $\bar{m}\bar{a}r\bar{g}$  پهلوی (چمن زار) ماخوذ است. مقایسه شود با  $\bar{m}\bar{a}r\bar{g}$  زند اوستا، مرغ فارسی.

ویشاب  $\bar{v}\bar{i}\bar{s}\bar{h}\bar{a}p'$  (اژدها، نهنگ، توفان، دیو، شرور)

این واژه در متون ارمنی به معنی ماهی بزرگ و مقدس به کار نرفته است بلکه برخلاف آن همواره با معنی شیطانی و منفی مورد استفاده قرار گرفته است. این واژه از  $\bar{v}\bar{e}\bar{s}\bar{h}\bar{a}p$  پهلوی اخذ شده، مقایسه شود با  $\bar{v}\bar{i}\bar{s}\bar{h}\bar{a}p\bar{a}$  زند اوستا به نظر بنونیست Benveniste بخش اول  $\bar{v}\bar{i}\bar{s}\bar{h}$  در سانسکریت به معنی زهر و  $\bar{v}\bar{i}\bar{s}\bar{h}\bar{a}p\bar{a}$  اوستایی به صورت  $\bar{v}\bar{i}\bar{s}\bar{h}+\bar{s}\bar{a}p\bar{a}$  است که  $\bar{s}\bar{a}p\bar{a}$  به معنی «طعم، شیر» می باشد و خود یکی از نام هایی است که برای مار به کار می رفته است.

دون  $\bar{t}\bar{u}n$  (خانه)

واژه ای ارمنی مشابه  $\bar{d}\bar{o}m$  زبان مادر هند و اروپایی است. مقایسه شود با  $\bar{d}\bar{a}m$  سانسکریت ( $\bar{d}\bar{a}m\bar{p}\bar{a}t\bar{i}\bar{s}$ ) به معنی صاحب خانه، کدخدا) و نیز  $\bar{d}\bar{a}m\bar{a}$  و  $\bar{m}\bar{a}n\bar{a}$  به معنی خانه- $\bar{n}\bar{m}\bar{a}n\bar{a}$  اوستایی به معنی خانه (زند قدم  $\bar{d}\bar{a}m\bar{a}$ ،  $\bar{d}\bar{a}m\bar{a}$ ، خانه، در یونانی، روسی، صربی، لهستانی نیز بصورت  $\bar{d}\bar{o}m$ . همه اینها از واژه- $\bar{d}\bar{e}m$  و  $\bar{d}\bar{e}m\bar{a}$  زبان مادر هند و اروپایی مشتق شده اند که به معنی ساختن، بنا کردن می باشند.

تو  $\bar{t}\bar{o}r$  (نوه)

در ارمنی بیشتر بصورت  $\bar{t}\bar{o}r\bar{n}$ ، کلمه ارمنی از ریشه- $\bar{t}\bar{o}r$  زبان مادر هند و اروپایی است که n آخر آن افتاده است (همانند  $\bar{v}\bar{o}t\bar{n}$  یا  $\bar{v}\bar{o}t$ ).

آوازان  $\bar{a}\bar{v}\bar{a}z\bar{a}n$  (حوض)

این واژه از  $\bar{a}\bar{b}z\bar{a}n$  (آبزن) فارسی اخذ شده (به معنی وان). واژه های حوض عربی و ترکی از تحول آبن فارسی (بنا به نظر آوگریان از آبدان  $\bar{a}\bar{b}d\bar{a}n$ ) پدید آمده است. این کلمه در گرجی به صورت  $\bar{a}\bar{v}\bar{a}z\bar{a}n\bar{i}$  ماخوذ از ارمنی است.  $\bar{a}\bar{b}\bar{a}z\bar{a}n\bar{a}$  گرجی مستقیماً از فارسی گرفته شده است.

شون  $\bar{s}\bar{u}n$  (سگ)

واژه اصیل ارمنی از شکل  $\bar{k}\bar{u}\bar{o}n$  زبان مادر هند و اروپایی، از همین واژه اند.  $\bar{c}\bar{v}\bar{a}$  سانسکریت،  $\bar{s}\bar{p}\bar{a}$  زند اوستا(حالت اضافی آن به صورت  $\bar{s}\bar{u}n\bar{o}$ )،  $\bar{c}\bar{a}n\bar{i}\bar{s}$  لاتین،  $\bar{c}\bar{h}\bar{i}e\bar{n}$  فرانسه،  $\bar{c}\bar{a}n\bar{e}$  ایتالیایی،  $\bar{h}\bar{u}n\bar{d}$  آلمانی،  $\bar{h}\bar{o}u\bar{n}d$  انگلیسی،  $\bar{s}\bar{u}k\bar{a}$  روسی و لهستانی، پسوند  $\bar{k}\bar{a}$  - به شکل ایرانی اضافه شده به صورت  $\bar{s}\bar{p}\bar{a}k\bar{a}$  در می آید و از آن واژه مادی  $\bar{s}\bar{p}\bar{a}k\bar{a}$  بدست می آید که هرودوت نیز به آن اشاره دارد (مادی ها به سگ  $\bar{s}\bar{p}\bar{a}k\bar{a}$  می گویند). ایرلندی قدیم  $\bar{c}\bar{u}$ ، سومری  $\bar{c}\bar{i}$ .

نظر دکتر سجادیه در باره ارتباط شنگ اوستایی (ساختمان) و این واژه و اخذ معنی سگ خانگی را کلانی نمی توان پذیرفت چرا که واژه فوق در عین حال نمی تواند دو معنی ترکیبی ماهیتا غیر متجانس را بیان کند.

هر  $\bar{h}\bar{o}r$  (چاه)

مفهوم این واژه در اصل با عمق و ژرفا مرتبط است و نه آب. (و  $\bar{h}\bar{u}n$  ایلامی به معنی آب) و در نتیجه با کلمه  $\bar{x}\bar{o}r$  ارمنی ارتباط دارد. که خود به معنی: عمیق، جای عمیق، چاه و غیره می باشد و این واژه نیز با  $\bar{h}\bar{u}r\bar{r}\bar{u}$  و  $\bar{b}\bar{u}r\bar{u}$

فرهنگ ریشه شناسی ارمنی تألیف پروفیسور هراچیا آجاریان دارای ارزش علمی والایی است. این فرهنگ شامل ۱۰۹۹۶ واژه ریشه ای ارمنی است که ۵۰۹۵ واژه ریشه شناسی شده اند. بررسی مقاله یاد شده را ما اصولاً برپایه همین فرهنگ انجام داده ایم و در کنار آن از منابع دیگر نیز سود برده ایم که فهرست آنها در پایان این مقاله خواهد آمد.

این نکته قابل ذکر است که با توجه به حجم محدود این مقاله ما تک تک واژه هایی را که دکتر سجادیه مورد بحث قرار داده اند به همان ترتیب یادآور شده نظر خود را درباره آنها ابراز داشته ایم لیکن متأسفانه به علت کمبود جا نقد خود را به اجمال بیان نموده ایم و نتوانسته ایم سیر تحولی این واژه ها را بطور مفصل ارائه دهیم (برای این کار به سلسله مقالات مفصل باید پرداخت).

آرو  $\bar{a}\bar{r}\bar{e}v$  (آفتاب، خورشید)

واژه آرو و همچنین آرگ  $\bar{a}\bar{r}\bar{e}g$  به همان معنی، از شکل- $\bar{r}\bar{e}v$  زبان مادر هند و اروپایی ماخوذ است و واژه  $\bar{r}\bar{a}v\bar{i}$  سانسکریت نیز از آن گرفته شده است. گ و به بکدیگر قابل تبدیل هستند لذا آرگ و آرو در واقع يك واژه هم معنی می باشند.

آردسیو  $\bar{a}\bar{r}d\bar{s}\bar{i}v$  (عقاب، شاهین)

نخست باید درباره اورارتو که آقای دکتر سجادیه آن را بر خلاف پژوهش های علمی مستند مترادف با آتری کهن یا آذری کهن می دانند توضیح داد. در این باره مطالب بسیاری نوشته شده است لیکن با توجه به حوصله محدود این مقال به اطلاع می رسانیم که سنگ نبشته های سه زیانه پادشاهان هخامنشی از کشور ارمنستان در متن اکدی به صورت اوراشو (=اورارتو، اورارتو به شکل های مختلف در متون قدیمی آمده است از جمله اوراشو، اورارت، آرات، اورارات، آرات، در پارسی باستان به صورت آرمینا در زبان ایلامی به صورت هارمینویا (خارمینویا) آمده است پادشاهی اورارتو یا پادشاهی آرات نخستین حکومت متحد ارمنی در فلات ارمنستان است (سده های ۶-۹ پیش از میلاد). نظر دکتر سجادیه متأسفانه مبتنی بر مدارک علمی نیست. و اما در مورد واژه  $\bar{a}\bar{r}d\bar{s}\bar{i}v$  نخست اینکه این واژه را نباید  $\bar{a}\bar{r}t\bar{s}\bar{i}v$  نوشت (زیرا در ارمنی  $\bar{u}n\bar{o}\bar{t}\bar{h}$  است و  $\bar{d}\bar{s} = \bar{t}$  است و نه  $\bar{d}\bar{s} = \bar{y} = \bar{t}\bar{s}$ ).

این واژه در اصل از شکل  $\bar{r}\bar{g}\bar{i}p\bar{y}\bar{o}$  (زبان مادر هند و اروپایی) ماخذ است. و قابل مقایسه با  $\bar{r}\bar{j}\bar{i}p\bar{y}\bar{a}$  سانسکریت می باشد که به عنوان وندی برای واژه  $\bar{c}\bar{y}\bar{e}n\bar{a}$ - (عقاب) و به معنی « پرند آبی» به کار می رفت. در زند اوستا  $\bar{z}\bar{i}f\bar{y}\bar{a}$ ، پارسی قدیم  $\bar{a}\bar{r}z\bar{i}f\bar{y}\bar{a}$  و  $\bar{a}\bar{r}d\bar{i}f\bar{y}\bar{a}$  و شکل های زیر از آن مشتق شده اند:  $\bar{a}\bar{l}\bar{u}h$  پهلوی، آله (  $\bar{a}\bar{l}\bar{u}h$ ) فارسی (و کردی  $\bar{a}\bar{l}\bar{e}h$ ،  $\bar{a}\bar{l}\bar{o}$ ،  $\bar{a}\bar{l}\bar{o}$ ،  $\bar{e}\bar{l}\bar{u}h$ ،  $\bar{h}\bar{a}\bar{l}\bar{o}$ )، واژه گرجی  $\bar{a}\bar{r}d\bar{s}\bar{i}v\bar{i}$  به معنی عقاب) از ارمنی به عاریت گرفته شده است.

کارایت  $\bar{k}\bar{a}r\bar{a}p\bar{e}t'$  (بهر است در فارسی اینگونه نوشته شود زیرا ق و ط در فارسی به شکل های اصلی تلفظ نمیگردند).

این واژه به معنی «راهنما، رهبر، پیش قراول» (بوژه در مورد رهبر هیئت و گروه ملازمان و خدمه شاهان در هنگام عزیمت و سفر) است و از کلمات  $\bar{k}\bar{a}r\bar{a}p\bar{e}t'$  یا  $\bar{k}\bar{a}r\bar{a}v\bar{a}n\bar{a}p\bar{e}t'$  (به معنی پیش قراول و رئیس کاروان) اخذ شده. مقایسه این واژه با  $\bar{k}\bar{a}r\bar{a}p\bar{a}t\bar{i}$  پارسی قدیم و  $\bar{k}\bar{a}r\bar{a}p\bar{a}t\bar{i}$  پهلوی که لاگارد (Lagarde) احتمال آنرا داده است مورد پذیرش هوشمان نیز نمی باشد به ویژه آنکه معانی آنها با کارایت ارمنی یکی نیست (واژه های پارسی قدیم و پهلوی از اجزاء- (رئیس، مسئول)  $\bar{k}\bar{a}r+\bar{p}\bar{a}t\bar{i}$  (کار) تشکیل شده اند). این واژه امروزه بیشتر به صورت اسم خاص اشخاص باقی است. نام های مشتق از آن چنین اند: کارایت، کارو، کارپیس، کاربه، کرپو، کاراپتیک.

مادید  $\bar{m}\bar{a}t\bar{i}t'$  (ماد)

واژه های نو به معنی «قلم سری» و در دوره اخیر از  $\bar{m}\bar{a}t\bar{i}t\bar{a}$  ایتالیایی ماخوذ است. از آنجا که مداد نخست در اروپا ساخته شده است نظریه یاد شده صحیح تر به نظر می آید.

بارو  $\bar{b}\bar{a}r\bar{e}v$  (سلام، درود)

اصل این واژه از باری آرو نیست بلکه از  $\bar{b}\bar{a}r\bar{y}\bar{a}v$  (pwrptwl) گرابار(ارمنی کلاسیک) به معنی  $\bar{b}\bar{a}r\bar{i}o\bar{v}$  ( $\bar{b}\bar{a}r\bar{i}+\bar{o}v$ ) می باشد. بخش  $\bar{b}\bar{a}r\bar{i}$  به معنی

آبراهامیان، ایروان ۱۹۶۵.

- ۲۰- زبان گرایمر (ارمنی کلاسیک)، پروفیسور آ. آبراهامیان، ایروان ۱۹۶۴.
- ۲۱- تاریخ زبان ارمنی، (به ارمنی)، گ. قاپانتسیان، ایروان ۱۹۶۱.
- ۲۲- درباره زبان آسی، محسن ابوالقاسمی، تهران ۱۳۴۸.
- ۲۳- وام واژه های ایرانی در زبان ارمنی، (به ارمنی)، ل. هوانیسیان، ایروان ۱۹۹۰.
- ۲۴- بررسی های ارمنی شناسی، (به ارمنی)، آنتوان مبه، ایروان ۱۹۷۸.
- ۲۵- فرهنگ های ارمنی در سده های میانه، آلمانیان، ایروان ۱۹۷۱.

آسوری و xōr و bōr عبری ارباط دارد (به همان معنی) ja rhor در ارمنی (چاه hor + آب jur) به معنی چاه آب است بنابراین hor ارمنی به تنهایی نمی تواند معنی آب را نیز در خود داشته باشد. ارتباط واژه porel یعنی حفر کردن، کندن با توجه به تبدیل p و f و کاربرد h به جای f در ارمنی قدیم با hor منطقی به نظر می آید.

یس yes (هن)

واژه اصیل ارمنی و همانند ego در زبان مادر هندواروپایی است. مقایسه شود با azəm اوستایی، ahām سانسکریت، azo سفدی، adam پارسی باستانی، ego لاتین، ich (آی) انگلیسی، ya روسی، ez کردی، az آسی ieše اورارتو، iša خوری (هوری)، سومری iz و giz.

دغ deḷ دارو

واژه اصیل ارمنی، مأخوذ از ریشه dhel زبان مادر هندواروپایی، معنی اصیل این واژه گیاه و علف است اما به این معنی به کار نمی رود بلکه، با کلمه dālār ارمنی (deḷ dālār) به معنی علف سبز مورد استفاده قرار دارد.

بارون bāron (آقا، صاحب، سرور، لقب پارون)

این واژه، در زمان حکومت ارمنی کیلیکیه (سده های ۱۴-۱۱ م.) در سواحل دریای مدیترانه، به صورت یک لقب اشرافی زمینداران و فئودالها از کلمه baron فرانسه قدیم یا baro و baroune، paron لاتین، اخذ شده وارد زبان ارمنی گردیده است. این کلمه پیش از دوره یاد شده در متون ارمنی به کار نرفته است. در این مورد کلا با دکتر سجادیه موافق نیستیم.

آنویش ānuyš (شیرین، خوش مزه، خوشبو)

این واژه را باید بصورت ānuyš و نه ānuš نوشت. در لهجه های محلی ānuš تلفظ می گردد. واژه فوق از anoš پهلوی به معنی، نوشدارو، بی مرگ، جاویدان، اخذ شده است. nōš در فارسی به معنی آب حیات، آب شیرین، عمل می باشد و ریشه آن aōša (مرگ) اوستایی است که با پیشوند منفی an به صورت anaōša (بی مرگ) بدست می آید. مفهوم جاودانگی و بی مرگی بعدها به شیرینی تبدیل شده است.

در پایان از توجهی که جناب آقای سجادیه به زبان، فرهنگ ارمنی داشته اند سپاسگزاری می کنیم، با این امید که سطور این حقیر بتواند برای ایشان راهگشا و وسیله آگاهی بیشتر درباره زبان ارمنی باشد.

### منابع

- ۱- فرهنگ ریشه شناسی آجاریان (به زبان ارمنی)، جلدهای ۴-۱، ایروان ۱۹۷۱-۷۹.
- ۲- فرهنگ واژه های همانند ارمنی، اوستایی، پهلوی، فارسی و ... دفتر نخست، گزارش آ. آربین، تهران ۱۳۶۳.
- ۳- وام واژه های ایرانی میانه غربی در زبان ارمنی، ماریا تریزیان، تهران ۱۳۷۱.
- ۴- فرهنگ تشریحی زبان کنونی ارمنی، جلدهای ۴-۱، ایروان، ۸۰-۱۹۶۹.
- ۵- فرهنگ تشریحی ارمنی، جلدهای ۴-۱، استپان مانگاسیان ایروان، انست تهران ۱۳۷۱.
- ۶- فرهنگ ارمنی نو (هایکازیان) جلدهای ۲-۱، و نیز ۳۷-۱۸۳۶.
- ۷- واژه شناسی عمومی و ارمنی (به زبان ارمنی)، ادوارد آقاپان، ایروان ۱۹۸۴.
- ۸- درآمدی بر زبان شناسی (به ارمنی)، ادوارد آقاپان، ایروان ۱۹۶۷.
- ۹- آرمینیان، مقاله ای برای دایره المعارف نوجوانان، ا. گرمانیک.
- ۱۰- دایره المعارف بزرگ ارمنی، ایروان ۸۷-۱۹۷۴.
- ۱۱- محمول معنی واژه در زبان فارسی، محسن ابوالقاسمی تهران ۱۳۵۵.
- ۱۲- واژه های ایرانی در نوشته های باستانی (عبری، آرامی، کلدانی)، شهرام هدایت، تهران ۱۳۵۶.
- ۱۳- واژه های مغرب در فرهنگ جهانگردی و برهان قاطع، صادق کیا، تهران، ۱۳۵۷.
- ۱۴- برهان قاطع.
- ۱۵- فرهنگ پهلوی - فارسی، فارسی پهلوی، دکتر بهرام فره وشی تهران ۱۳۵۸.
- ۱۶- زبان جالب ارمنی (به زبان ارمنی)، ه. هاروطونیان، ایروان ۱۹۷۹.
- ۱۷- درآمدی بر زبان شناسی، کوروش صفوی، تهران ۱۳۶۰.
- ۱۸- فرهنگ ارمنی، یرمیا مغرتسی، ایروان ۱۹۷۵.
- ۱۹- فرهنگ پهلوی - فارسی - ارمنی - روسی - انگلیسی، پروفیسور رون

